

# گادولیا لوهارها



بودند، راه شهرکها و روستاها را در پیش گرفتند و در مناطق دور دست به کار پرداختند.

گادولیا لوهارها برای اینکه بر احوالی بتوانند از یک منطقه به منطقه دیگر بروند مجبور شدند آرایه‌های محلی را طوری تغییر دهند که با نیازهای آنها در تناسب باشد و از این رهگذر بود که گادولیا به وجود آمد. این کاری که در قرن شانزدهم ساخته شد هنوز هم در جاده‌های شمال هند به چشم می‌خورد. اندازه اولیه و طرح داخلی گادولیا که محل قرار دادن ظروف، ابزار و مواد غذایی است همچنان ثابت مانده است. با این تفاوت که این کاری امروزه صرفاً برای حمل و نقل به کار می‌رود و گادولیا لوهارها برخلاف بعضی گروه‌های چادر نشین دیگر از آن به عنوان محل سکونت استفاده نمی‌کنند.

گادولیا را با چوب آقا می‌سازند که از سایر انواع چوبها محکمتر و سنگین تر است. اجزای خاص این کاری عبارتند از تالیا و فیچلا که اولی سینه نسبتاً برجسته قسمت جلو را تشکیل می‌دهد و دومی بخش میانی و عقبی کاری را شامل می‌شود که بدون سقف است و جدارهای پهلویی به آن متصل می‌شوند. سازندگان این گارها که

تعیین کننده هویت گادولیا لوهارها در نظام اجتماعی پیچیده هند هستند.

منشأ گادولیا لوهارها ایالت راجستان است و آنها خود را متعلق به گروه معروف راجپوت می‌دانند. روایات شفاهی چندی این امر را تأیید می‌کنند. گادولیا لوهارهای امروز از اعقاب گروه‌هایی هستند که در خدمت شاهزادگان راجپوت بودند و برای آنها اسلحه می‌ساختند. به همین خاطر آنها تا سال ۱۵۶۸، یعنی زمانی که اکبر شاه با حمله‌های پیاپی خود مدافعان کارکننده قلعه چیتور گره را شکست داد و سلسله راجپوت را بر انداخت، از احترام و اهمیت خاصی برخوردار بودند.

شکست سلسله راجپوت که با سلاحهای تولید شده توسط گادولیا لوهارها می‌جنگیدند ضربه سنگینی به شهرت آنها وارد کرد، به طوری که سوگند خوردند تا جبران این تنگ به ساختن اسلحه نپردازند و به همین خاطر ساختن ظروف خانگی، آلات کشاورزی و سایر وسایل غیر جنگی را پیشه کردند. گادولیا لوهارها به منظور اجتناب از برخورد با سایر آهنگرانی که متعلق به کاستهای دیگر بودند و قبلاً در شهرهای پر جمعیت مستقر شده

بزرگشهایی که در رشته‌هایی همچون زیانسناسی، مردم‌سنجی و نزدشناسی صورت گرفته است منشأ هند و آریایی کولیاها را به طور قاطع روشن کرده است. اما ماهیت دقیق پیوند خویشاوندی میان کولیهای سراسر نقاط جهان و کولیهای که در شمال غربی هند زندگی می‌کنند هنوز معلوم نشده است. یکی از این گروه‌های چادر نشین توجیه متخصصان هندی و اروپایی را به خود جلب کرده است، زیرا شباهتهای زیادی بین آنها و گروه‌های دیگری از کولیهای اروپایی که مورد مشاهده قرار گرفته‌اند دیده شده است. این شباهتها عبارتند از شباهتهای زبانی، ساختار خانواده و اجتماع، نوع لباس و بعضی از اشکال ادبیات مردمی و فولکلور.

کلمه لوهار به معنای «آهنگر» و کلمه گادولیا نام نوعی آرایه گاوی خاص است که این گروه از کولیان آن را به کار می‌برند.

به این ترتیب اصطلاح گادولیا لوهار را می‌توان «آهنگر آواره» ترجمه کرد که از آهنگران نابت هندو، که به کاستهای مارو و مالویا تعلق دارند و در همان منطقه زندگی می‌کنند، متمایزند. آهنگر بودن و آوارگی دو عامل



# آهنگران دوره گرد هند

نوشته استیبان کویاس پونته

سرزدن به بازارهای محلی برای خرید مایحتاج زندگی و چارپایان بارکش است.

هشت ماه بقیه سال به سیر و سفر می‌گذرد که روال آن از قرن شانزدهم تا کنون ثابت مانده و طوری است که هر گروه در جریان آن می‌تواند منطقه خاصی را ببیند. هر گروه از لوهارها با دهقانان منطقه خود رابطه‌ای برقرار کرده که تسلیهات از هر دو سو حفظ می‌شود.

زندگی گادولیا لوهارها عمدتاً گروهی است. آنها در مراکز پر جمعیت کمتر باقی می‌مانند، اغلب اوقات را در سفر می‌گذرانند و تماسهای فردی و گروهیشان با دهقانان معمولاً کوتاه است. و علت اینکه لوهارها که بیش از ۳۰۰ سال قبل به کار کشاورزی پرداختند هنوز آداب و رسوم خود را حفظ کرده‌اند همین است. نوع لباس، جواهرات، و حتی فرم آرایش سر مردان بندرت در طی این قرون تغییر کرده است. این قضیه در مورد روش زندگی خانوادگی، مراسم تولد، جشنهای عروسی و مراسم تشییع نیز صادق است.

گادولیا لوهارهای راجستان در فرهنگ چهل تکه هند جای خاصی دارند. آنها در ساختار اجتماعی و اقتصادی منطقه به عنوان عاملی اساسی پذیرفته شده‌اند. گادولیا لوهارها با آهنگران ثابت محلی در رقابت نبودند، زیرا هر یک مشتریان خاص خود را داشتند. این وضع بیش از ۳۰۰ سال دوام داشت تا اینکه پیدایش صنایع بزرگ در قرن بیستم سیمای اقتصادی هند را تغییر داد.

این تأثیر آنچنان زیاد بود که بسیاری از گروههای گادولیا لوهار مجبور به ترک زندگی سنتی و یافتن مشتریان جدید در سایر مناطق شدند. این امر برای آنها به منزله آزمایش سخت بود، زیرا می‌بایست با سایر آهنگران چادر نشین و ثابت در نقاط مختلف به رقابت پردازند.

گادولیا کانون واقعی زندگی خانوادگی است. بر طبق فرمانی تغییر ناپذیر تمام متعلقات خانواده باید در گادولیا گرد آید. قفسه مثلث شکل قسمت جلو گاری که در آن برای امنیت بیشتر می‌تواند قفل شود محل نگهداری اشیائی نظیر پول، جواهرات (چنانچه بر اندام زنان نباشد)، طلا، شیرینی جات، کره منجمد، نخ و سوزن، آینه، سرسره و سایر وسایل بزرگ است. به عبارت دیگر تالیا گنجینه اشیائی قیمتی خانواده است. قسمت مرکزی روبناز گاری محل قراردادن کیسه‌های برنج، عدس و آرد، یکی از پهلوهای آن محل قرار دادن ظروف خانگی و پهلوی دیگر محل گذاشتن ابزارهای آهنگری است. لباسها نیز در فاصله میان کیسه‌ها و تالیا نگهداری می‌شود.

به محض اردو زدن در یک نقطه زندگی خانوادگی صرفاً در داخل و زیر گاری آغاز می‌شود؛ وظیفه جلوگیری از تابش خورشید و باران نیز برعهده حصیرهاست.

نوع فعالیتهای لوهارها بعد از شکست چیتورگره عمدتاً تحت تأثیر محیط طبیعی زندگی آنها بوده است. آنها می‌بایست نظام اقتصادی متوازی بر مبنای رابطه میان بشر و طبیعت، میان زندگی طبیعی و صنعت در منطقه‌ای مانند راجستان، که محیط طبیعی آن از محلی به محل دیگر و از فصلی به فصل دیگر بسیار متغیر است، ایجاد کنند. مثلاً فصلهای بارندگی مانع زندگی به طریق چادر نشینی بود و به همین خاطر گروههای لوهار اردوهای ثابتی برای خود تشکیل دادند. حتی هنوز هم لوهارها همه ساله از اواسط ماه مه تا اواسط سپتامبر را در این اردوها که تیا نام دارد می‌گذرانند. دوره میان ماه مه تا ژوئیه به استراحت، دید و بازدید، جشنهای عروسی و جلسات مربوط به شوراهای رهبری گروهها اختصاص دارد. ژوئیه تا سپتامبر زمان

تعدادشان بسیار کم است، در گنگورا (مربوط به نواحی شمالی و غربی) و بارمر (مربوط به نواحی جنوبی و شرقی) متمرکز شده‌اند.

قسمتهای خاصی که مالک گادولیا می‌تواند به منظور مشخص ساختن وسیله خود به تزئین آنها پردازد عبارتند از دیواره‌های جانبی یا پنکه‌لایها، سینه جلو و چرخها. این تزئینات به کمک صفحات برنزی کوبیده شده بر روی چوب انجام می‌شود. صفحات مخصوص تزئین دیواره‌های جانبی همواره به چهاربخش تقسیم می‌شوند که هر یک دارای شانزده خانه می‌باشند و هر خانواده صاحب گاری با نوع نشانه‌ای که برای تزئین خانه‌های مذکور انتخاب می‌کند وسیله خویش را مشخص می‌سازد. این نشانه‌ها شامل مربع‌ها، لوزیها، ستاره‌ها و گل و پته‌هاست. تیرکهای بلندی که از دوسوی گاری به گاو بسته می‌شوند به نوارهای چین خورده ساخته شده از پوست گاو مزین‌اند.

این گادولیا لوهار جوان بر گردن سیاه خود طلسمی از رامدیوچی، خدای سلامتی، رونق، برابری و نشاط دارد. او همچنین گوشواره سردانه‌ای موسوم به مورکی و به نحوی غیر معمول زیستی زنانه به نام اورگانیا بر بالای گوشش دارد. زنی که در کنار او نشسته است دستبندهایی از عاج و نقره به دست دارد که نشانه ازدواج کردن اوست. در گوش او جای یک گوشواره سنگین به چشم می‌خورد که همچون سایر جواهرات به هنگام گرفتن قرض به رهن گذاشته می‌شود.

دمهای آهنگری گادولیا لوهارها که آتش کوره‌های آنها در فضای باز توسط آنها دمیده می‌شد سنتاً از پوست بز بود، اما امروزه بعضی از لوهارها وسیله مکانیکی پیشرفته‌تری را به کار می‌برند که از یک طوقه دو چرخه متصل به یک قرقره ساخته شده و توسط زن یا دختر آهنگر به کمک فنسار پدال یا چرخاننده دست چرخانده می‌شود. پس زمینه تصویر یک گادولیا را نشان می‌دهد که این چادر نشینان هندی نام خود را از آن گرفته‌اند. طرح این گاری از قرن شانزدهم تا کنون تغییر نکرده است. نوع تزئینات دیواره جانبی نشان ویژه خانوادگی لوهار مزبور است.





ارتباطهای گذشته را رها کنند، و از همه مهمتر اینکه خطر برخورد با الگوهای فرهنگی دیگر را، که به دلیل قدرتشان می‌توانستند گادولیا لوهارها را تحت تأثیر قرار دهند، به جان بخرند. جاده‌های غربی هند به مناطق بیابانی سند منتهی می‌شوند که از لحاظ کشاورزی نامناسب‌اند. تنها جاده قابل استفاده که امید رونق و رفاه از آن می‌رفت به سوی شرق بود. به همین خاطر بسیاری از لوهارها به این سو روانه شدند، اما بعضی دیگر سرسختانه به زندگی سابق خود چسبیدند. گروه اخیر به دنبال هجوم انبوه کالاهای تولید شده و تغییرات حاصل از آن در اقتصاد منطقه متحمل مشکلات فراوانی شده‌اند.

در طی دو یا سه دهه گذشته کوششهای چندی از جانب مقامات برای حل مسئله صورت گرفته است. باز هم

آهنگران مشغول کارند. سندان آنها مکعب فولادی است که، همچون خانه لاکشمی، آلاهه دروت، با قدرتهای الهی همراه است. سندان با ارزشترین دارایی خانواده محسوب می‌شود و به هیچوجه نباید آن را به کسی قرض داد و یا برای کار دیگری غیر از آهنگری از آن استفاده کرد. سرپرست خانواده در کنار سندان نشسته است و چکش کوچکی به نام هاتودا به دست دارد. برخلاف آنچه که در عکس مشاهده می‌شود، این معمولاً همسر آهنگر است که در مقابل او می‌ایستد و چکش بزرگتر یعنی غان را به کار می‌گیرد. گاهی اوقات به جای همسر این کار به دختر سپرده می‌شود، اما این کار هرگز به عروسها واگذار نمی‌شود، زیرا آنها اجازه ندارند کنار کوره کار کنند.

همچون گذشته و همچون سایر جاها حل مسئله این چادرنشینان نیز از طریق اسکان آنها صورت گرفت. پروفیسور ساتیا پال روهلا، جامعه‌شناس هندی و متخصص در زمینه زندگی و فرهنگ گادولیا لوهارها که برنامه‌های دولت را در مورد «احیای» لوهارها از طریق ایجاد «مهاجرنشین»ها مفضلاً بررسی کرده است معتقد است که اغلب این کوششها با شکست مواجه شده‌اند. از نظر او دلیل این کار در نظر نگرفتن عوامل روانی موجود در ذات فرهنگ چادرنشینان و اسطوره‌های مربوط به زندگی و پیشه آنان بوده است. مهمتر از همه اینکه توازن بعضی عوامل اجتماعی و فرهنگی نظیر همبستگی خانوادگی و گروهی در میان آنها به علت پراکنده شدن آنها از میان رفته است، زیرا خواسته‌اند با توزیع تبعیض آمیز زمین آنها هم به طور یکشبه از آنها کشاورز بسازند.

آن دسته از گادولیا لوهارها که بتدریج تصمیم به تعدیل و گسترش زندگی خود گرفتند با فرهنگها و گروههای دیگر تماس مستقیم پیدا کردند و روشهای جدیدی از آنها آموختند که در کیفیت و تنوع کالاهای دست ساز آنها مؤثر واقع شد.

روند فرهنگ‌پذیری که نتیجه اجتناب‌ناپذیر تماس گادولیا لوهارها با سایر فرهنگها بوده است در تغییراتی که در زندگی آنها رخ داده و برخی از آنها بسیار عمیق بوده است محسوس است. سبک لباس پوشیدن بخصوص در مورد زنان تغییر پذیرفته و با محیط جدید هماهنگ شده است. ظاهر مردان نیز تغییر کرده و فی‌المثل مدل موی سر آنها با سبک سنتی آن نسبتاً تفاوت پیدا کرده است.

آن دسته از لوهارها که به روال سنتی زندگی

خویش وفادار مانده و برای بقای آن در کشمکنی سخت گرفتار آمده‌اند نیز نتوانسته‌اند تمام سنتهای خود را حفظ کنند و از تزئینات وسیله نقلیه گرفته تا جشنها و مراسم مربوط به تقویم سنتی خویش را تسخیر داده‌اند. این وضعیت متأسفانه محدود به گادولیا لوهارها نیست. تمام این نوع گروهها با این انتخاب ناگوار مواجهند که یا با وفادار ماندن به سنتهای خود حیات واقعی اعضای خود را به خطر اندازند و یا بارها کردن سنتها و قراردادن خویش در معرض تغییرات فرهنگی و خطر دگرگون شدن تیزهای رفاهی و اقتصادی اعضای خود را برآورده سازند.

به نظر نمی‌رسد راه حل قضیه در هیچیک از دوشق افراطی مذکور باشد: گادولیا لوهار باقی ماندن و بتدریج مردن یا کنار گذاشتن راه و رسم لوهاری و زنده ماندن، بین این دو راه امکانات متعددی وجود دارد که می‌باید برای حفظ هویت فرهنگی این نوع گروهها آنها را جستجو کرد و مورد استفاده قرار داد. فایده این کار صرفاً متوجه گروههای مذکور نیست، زیرا مادام که یک گروه اجتماعی زندگی شکوفا و فعالی داشته باشد به نفع تمام جامعه خواهد بود.

استیان کوباس پونته، اهل کوبا، عضو انجمن پژوهش درباره کبولها است که سازمانی غیر دولتی وابسته به یونسکو است و اعضای آن را پژوهشگرانی از رشته‌های گوناگون تشکیل می‌دهند. این مقاله بر مبنای پژوهشی که درباره گادولیا لوهارها (آهنگران آواره هندی) برای انجمن مذکور صورت گرفته تهیه شده است. پونته از سال ۱۹۶۹ به بعد مشغول پژوهش درباره کولیهای سنتی (Sinti) که در شمال ایتالیا زندگی می‌کنند، و بخصوص درباره اجتماعات نیمه چادرنشین منطقه میلان بوده است.



Photo E. Cobas, Unesco